

تحلیل زمینه‌گرایی معماری کلیسا؛ مرکز‌گرایی، ویژگی بارز کلیسای شرقی

پیونیک سیمونی^{۱*}، عیسی حجت^۲

^۱استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر، تهران، ایران.
^۲استاد گروه معماری، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران؛ تهران، ایران.
 (تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۰۲/۲۴، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۹/۰۳/۱۸)

چکیده

اغلب متخصصان تاریخ معماری، بر این باورند که معماری کلیسا امری است «غربی» که سرآغاز و روند تکاملی واحدی دارد. این نگاه، حاصل شناخت نادرست تاریخ معماری کلیسا، بر بستر شرقی یا بی‌توجهی به آن است. مقاله حاضر در نظر دارد در یک بررسی زمینه‌گرایانه، سرآغاز معماری کلیسای غربی، که عمدتاً ریشه در فرهنگ یونانی-رومی دارد و کلیسای ارمنی، که ریشه در فرهنگ معماری محلی از دوران پیشااورارتویی تا دوران متأخر پیشامسیحی دارد، را مورد مطالعه تطبیقی و تحلیلی قرار دهد. طبق یافته‌های پژوهش، علی‌رغم وجود هر دو نوع ساختار خطی و مرکزی در ابتدای دوران شکل‌گیری معماری کلیسا در ارمنستان و غرب، باید تصریح کرد که ساختار خطی در شکل آشنای باسیلیکای مسیحی در غرب و ساختار مرکزی، که به زعم برخی ذاتاً «شرقی» است، در معماری ارمنی، غالب است. کلیساهای خطی و مرکزی در دو فرهنگ، دارای سرمنشا و ویژگی‌های متفاوت هستند. ساختارهای مرکب مرکزگرا در معماری پیش از رنسانس در کلیسای غربی، محدود به تجربیات تمدن بیزانس و وارثان معماری آن هستند. بررسی این ساختارهای ترکیبی، از جمله باسیلیک گنبددار، کلیسای پنج‌گنبدی و کلیسای صلیبی گنبد مرکزی، نشان‌دهنده تقدم این ساختارها در معماری کلیسای ارمنی و وام‌دار بودن معماری بیزانس و اروپا به معماری ارمنی است.

واژه‌های کلیدی

معماری کلیسا، کلیسای ارمنی، کلیسای شرقی، کلیسای غربی، مرکز‌گرایی.

مقدمه

ایران و روم باشد.^۱ سرزمین ارمنستان، اگرچه دارای موقعیت مرزی بوده، اما عمدتاً در زمره «سرزمین‌های شرقی» محسوب شده است (دانشنامه ارمنستان شوروی، ۱۹۷۶، ۳۰).

واژه کلیسا، از ریشه یونانی *ekklesia*، که معنای لغوی آن «اجتماع عمومی، محلی برای اجتماع، ساختمانی برای اجتماع» (دانشنامه ارمنستان شوروی، ۱۹۷۷، ۴۹۶) است، به چند معنای موازی از جمله جماعت ایمانداران، اصول اعتقادی و بنای معماری به کار می‌رود (خلیفه‌گری ارامنه تهران، ۲۰۰۲، ۷۱). وجه کالبدی آن، همانند دیگر آثار معماری، دستکم معرف دو جنبه کارکردی و فرهنگی است. جنبه کارکردی کلیسا به طور عام میان تمام کلیساهای جهان مشترک و مشابه است، به گونه‌ای که وحدت کلیسای جهانی از نظر اصول و ایمان مورد تأکید منابع دینی است (خلیفه‌گری ارامنه تهران، ۲۰۰۲، ۷۱). اما وجه فرهنگی این پدیده، به خصوص هنگامی که نگاهی زمینه‌گرا را برگزینیم، بیانگر ویژگی‌های مهم سرزمینی و در برگیرنده لایه‌های مستتر تاریخی خواهد بود، که موضوع این پژوهش است.

کلیسای ارمنی، که اولین کلیسای رسمی در جهان است، نمونه شاخصی است از کلیسای مسیحی بر بستر فرهنگ و معماری شرقی. توجه به استقلال این معماری منحصر به فرد، ارتباط آن با الگوهای معماری تمدن‌های شرقی، به ویژه ایران، و همچنین تأثیرگذاری آن بر معماری کلیسا در غرب، تصور غالب از ماهیت و تاریخ معماری کلیسا را به چالش خواهد کشید. این مهم به وسیله بررسی مقایسه‌ای و تحلیلی ساختارهای اصلی و غالب در شرق و غرب، که در طول دوره‌های مختلف تاریخی، کمابیش ماندگار بوده و گواه اشتراک یا تفاوت در ریشه‌های آنها است، میسر می‌گردد.

اغلب متخصصان تاریخ معماری در جهان و همچنین در ایران، بر این باورند که معماری کلیسا امری است «غربی» و سرآغاز و روند تکامل واحد و شناخته‌شده‌ای نیز دارد، که به تفکیک دوره‌های مجزا و تحت عنوان تاریخ معماری جهان قابل پیگیری و مطالعه است. با این دیدگاه مسیحیت به اروپا و یا غرب و فرهنگ اروپایی به مسیحیت گره متقابل خورده است، به نحوی که به ویژه در سرزمین‌های شرقی همچون ایران به صورت هم‌معنی نیز به کار می‌رود. اگرچه ارتباط اروپا با مسیحیت و معماری کلیسا واقعی تاریخی است، اما انگاشت یکسان این دو مفهوم، سطحی‌نگری جدی، به ویژه در رابطه با سرآغاز معماری کلیسا و نمونه‌های شرقی آن خواهد بود.

هنگام صحبت از دو مفهوم متضاد «شرق» و «غرب» باید تصریح کرد که محدوده این مفاهیم تا حد زیادی ذهنی است. به خصوص تعریف شرق یا مشرق‌زمین در طول تاریخ تغییرات زیادی داشته و در دوران جدید نیز تحت تأثیر جریانی موسوم به «شرق‌شناسی» قرار گرفته است (سعید، ۱۳۹۴). علاوه بر این تشکیل و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی از یک طرف و تمایل برخی از دولت‌های محدوده مرزی شرق و غرب به پیوستن به اتحادیه اروپا، در روزگار، ما از طرف دیگر، بی‌نظمی بیش از پیش در تعیین مرز دقیق این تقسیم‌بندی به وجود آورده‌است. به هر صورت در این نوشته صرف‌نظر از مقاصد سیاسی کاربران این الفاظ و با تکیه بر بار فرهنگی آنها، غرب، به مرکزیت اروپا منظور می‌شود، که بر ریشه یونانی-رومی‌اش نیز کمابیش اتفاق نظر وجود دارد. شرق نیز، با چشم‌پوشی از شرق دور، محدوده‌ای را مد نظر قرار می‌دهد که به گواهی منابع، همواره نمایانگر نقش مهم و بعضاً مرکزی ایران بوده است. این انگاشت فرهنگی از شرق و غرب می‌تواند زاده تقابل تاریخی دو قدرت

روش پژوهش

از مطالعه تحلیلی و روندمحور آنها که حقایق و تئوری‌های عمقی را آشکار می‌کند.^۲ تکنیک‌های مورد استفاده در پژوهش عبارت‌اند از روش اسنادی به طور عمده و بررسی تطبیقی و تحلیلی به کمک مدلسازی ساختاری در بخش بررسی نمونه‌ها. از آنجا که پژوهش به دنبال یافتن پاسخ پرسش مطرح‌شده است، نتایج بررسی تطبیقی به نتیجه‌گیری حول پاسخ این پرسش متمرکز خواهد شد.

پیشینه پژوهش

روند مطالعه معماری ارمنی در کنار دیگر ملل قفقاز^۳ یا «ملل شرقی» در نیمه اول سده نوزدهم م. توسط محققان اروپایی آغاز شد، که نگاه غالب در آنها وابسته انگاشتن معماری ارمنی، عمدتاً به معماری رومی-بیزانسی بود. در نیمه دوم سده نوزدهم صاحب‌نظران به دو دسته تقسیم می‌شدند؛ دسته اول داشتن هنر و معماری مستقل را برای ملل قفقاز غیرممکن دانسته و معماری ارمنی را تحت تأثیر معماری رومی-بیزانسی یا «ایرانی-عربی» (شنازه^۴) معرفی می‌کردند و دسته دوم، معتقد به استقلال معماری کلیسای ارمنی از ابتدای دوران مسیحی (فرگوسن^۵) بودند. برخی صاحب‌نظران مسأله تأثیرگذاری معماری ارمنی را نیز مطرح می‌کردند، که استرژیکوسکی مطرح‌ترین نام در میان آنها است. از دهه ۹۰ سده نوزدهم محققان ارمنی بیشترین سهم مطالعات

پژوهش حاضر به دنبال یافتن پاسخ به یک پرسش اصلی و بنیادی است: آیا معماری کلیسای ارمنی تابع و زیرمجموعه کلیسای شناخته‌شده غربی است و یا دارای ریشه‌های محلی و ارتباط با الگوهای شرقی است؟ جهت روش‌شدن موضوع همچنین می‌توان چند پرسش دقیق شده مطرح کرد: آیا الگوی غالب در معماری کلیسای ارمنی، همانند کلیسای غربی، ساختار خطی یا همان باسیلیکایی است؟ آیا انواع کلیساهای خطی موجود در معماری ارمنی برگرفته از همان باسیلیکای غربی است؟ آیا ساختارهای مرکزگرای معماری کلیسای ارمنی ریشه در ساختارهای مشابه غربی دارد و یا الگویی دیگر بر آنها حاکم است؟ آیا انواع ساختارهای ترکیبی معماری کلیسای ارمنی نمونه‌برداری از الگوهای غربی است و یا معماری ارمنی، خود مولد این الگوها بوده است؟ با انتخاب استراتژی کیفی یا طبیعت‌گرا (گروت، وانگ، ۱۳۹۴، ۳۲)، پژوهش در پی بررسی تطبیقی با رویکردی زمینه‌گرا است. رویکردی روش پژوهش نیز کیفی است، که تشریحی نیز می‌توان خواند، به گونه‌ای که به بررسی عمقی و تاریخی و یا جنبه‌های نادیدنی اتفاقات می‌پردازد (اسلامی، ۱۳۹۲، ۴۶). با توجه به اتکا به نظریه زمینه‌ای، بررسی عمقی پدیدارهای بیرونی، به صورت آثار معماری، عبارت است

از سده‌های ۱۰ الی ۱۲ م. می‌دانند (تورامانیان، ۲۰۱۳، الف، ۹۷ الی ۱۰۰). در میان محققان ارمنی تورامانیان در باره تأثیرپذیری‌ها و تأثیرگذاری‌های معماری ارمنی و تمدن‌های همسایه (تورامانیان، ۲۰۱۳، الف، ۹۷ الی ۱۰۰)، حاسراتیان در باره معماری کلیسایی در دوران آغازین مسیحیت در ارمنستان و ارتباط آن با دیگر فرهنگ‌های مسیحی (حاسراتیان، ۲۰۱۰)، ماروتیان در باره الگوهای اصلی معماری مسیحی سده‌های نخست در ارمنستان و تقدم آنها بر الگوهای مشابه در معماری گرجستان، و ارتباط با معماری تمدن بیزانس و اروپا (ماروتیان، ۲۰۰۳) و ایسابکیان در باره پیشگام‌بودن تفکر و معماری رنسانس در ارمنستان (سده‌های ۱۰ الی ۱۲ م.) نسبت به اروپا (ایسابکیان، ۱۹۹۰)، مطالعات تطبیقی انجام داده‌اند. میان معماری ایران و ارمنستان مطالعات تطبیقی بسیار کمی وجود دارد که عمدتاً محدود به دوران اورارتویی و تأثیرگذاری بر تمدن‌های ماد و هخامنشی است.^۵ داده‌های دیگر این حیطه محدود است به اشارات مبهم از سوی صاحب‌نظران معماری جهان یا شرق‌شناسانی که در بالا مشاهده کردیم و یا اظهارات کلی متخصصان نامی دو معماری، مانند اشاره به وجود اشتراک در روش‌های گنبدسازی از طرف استاد پیرنیا (پیرنیا، ۱۳۷۰، ۱۵) و اشاره به احتمال تأثیرپذیری از معابد ساسانی در منابع ارمنی (آکادمی علوم ارمنستان، ۲۰۰۲، ۲۰). مطالعات موردی، همانند تبلور ویژگی‌هایی از معماری ایران در کلیساهای ارمنی جلفای اصفهان، جنبه موضعی داشته و از ارتباط ریشه‌ای این دو فرهنگ سخن نمی‌گویند.

بنابراین پژوهشی که معماری کلیسای ارمنی و غربی را با تمرکز بر ساختارهای غالب هر کدام، که عمدتاً متعلق به دوران اولیه شکل‌گیری معماری کلیسا هستند، مورد مطالعه جامع قرار دهد، وجود ندارد، به ویژه آنکه این بررسی قیاسی در متن معماری «شرقی» یا منطقه‌ای و در تطبیق با الگوها و ساختارهای غالب آن مورد بازشناسی قرار گیرد.

مبانی نظری پژوهش

پیش از تحلیل قیاسی معماری کلیسا و ساختارهای رایج در ارمنستان و غرب، باید به بررسی آرا و تعریف محدوده مفاهیم مورد مطالعه پرداخت. این مفاهیم عبارت‌اند از معماری کلیسای غربی، معماری شرقی، ارمنستان، معماری و کلیسای ارمنی و دیدگاه‌های کلی در باره گستردگی کاربرد ساختارهای خطی و مرکزی در هر کدام از آنها. این بررسی را می‌توان در رابطه ساختار خطی با کلیسای غربی و ساختار مرکزی با معماری شرقی، به نحوی هدفمند، تنظیم کرد.

کلیسای غربی و ساختار خطی

کلیسای غربی را می‌توان به دو منظور دینی و فرهنگی دریافت کرد. چنانچه رویکرد دینی مورد نظر باشد کلیسای غربی را هم معنی با کلیسای کاتولیک می‌دانند (URL3)؛^۶ در این نوشته می‌توان کلیسای غربی را بنای عبادی متعلق به تمدن غربی یا همان تمدن اروپایی دانست. «تمدن غربی امروزه به سه سنت شاخص شناخته می‌شود: ۱. فرهنگ کلاسیک یونانی-رومی، ۲. تأثیر مسیحیت، به ویژه مسیحیت کاتولیک رومی، ۳. روشننگری عصر مدرن» (Kurth, 2003, 5). در این تعریف دو ویژگی مهم را در مورد فرهنگ غربی مشاهده می‌کنیم، تأثیر مسیحیت کاتولیک یا مسیحیت غرب امپراتوری روم در مقابل مسیحیت ارتدوکس که در شرق این امپراتوری و سپس در کشورهای ارتدوکس

را به خود اختصاص دادند. از این میان توروس تورامانیان، استاد مطرح تاریخ معماری ارمنی، در ابتدای سده بیستم م. را باید تأثیرگذارترین فرد در تئوری معماری ارمنی دانست (آکادمی علوم ارمنستان، ۱۹۶۴، الف، ۲۰).

دیلپی که تاریخ‌شناسی فرانسوی و متخصص معماری بیزانس است، در آثار اولیه خود معماری ارمنی را در قالب تأثیرات خارجی معماری بیزانسی بررسی می‌کند و در آثار متأخرش، همانند استرژیکوسکی، این سوال را مطرح می‌کند که آیا معماری کلیسای بیزانسی بر کلیسای ارمنی تأثیرگذار و یا وامدار آن است. او نهایتاً چنین اظهار نظر می‌کند، که ارمنستان با حفظ روابط با سوریه، بین‌النهرین و ایران که تمدنی شرقی است، در سده‌های پنجم تا هفتم م. روابط سیاسی گسترده‌ای با تمدن بیزانس برقرار کرد و نهایتاً معماری مستقل مسیحی خود را شکل داد. معماری ارمنی، به زعم او، در سده‌های نهم و دهم م یکی از تأثیرگذارترین نیروها در احیای سنت‌های معماری بیزانس، در محدوده خود این تمدن گشت. این صاحب‌نظر تأثیرگذاری بر معماری گوتیک را نیز برای معماری ارمنی محتمل می‌داند. در تحلیل دیدگاه دیلپی، تورامانیان با پذیرش تأثیر بیزانسی مخالف بوده و پیشنهاد می‌کند تا حدی تأثیر تمدن پیش از آن یعنی معماری یونانی-رومی پذیرفته شود. تورامانیان به طور کلی با تأکید بر استقلال معماری کلیسایی در ارمنستان، تأثیرات خارجی را محدود به آشوری-کلدانی در دوره‌های کهن، یونانی-رومی تا سده ششم م. و ساسانی، بعد از سده ششم م. معرفی می‌کند (تورامانیان، ۲۰۱۳، الف، ۱۱۶).

استرژیکوسکی که «شرق‌شناس»ی اتریشی است، در مطالعات نخست خود معماری ارمنی را زیرمجموعه معماری بیزانس معرفی می‌کند و نهایتاً به این نتیجه می‌رسد، که ارمنستان پیش از شکل‌گیری معماری بیزانس و تحت تأثیر «معماری شرقی»، سبک منحصر به خود را در معماری کلیسایی به وجود آورده بود. به اعتقاد وی این معماری، طی سده‌های هفتم الی دهم م. در تمام محدوده تأثیر امپراتوری بیزانس، از جمله گرجستان، روسیه، اسلاو جنوبی و نهایتاً خود قسطنطنیه منتشر شد. طبق نظر استرژیکوسکی پلان صلیب یونانی معماری بیزانس و تبی کلیسای نئا ساخته شده توسط واسیل اول، که در این نوشته به بررسی ساختاری آن پرداخته خواهد شد، به طور حتم محصول معماری ارمنی است. این صاحب‌نظر گنبد‌های مبتنی بر مربع معماری اروپایی را نیز دارای ریشه در گنبد مخروطی ارمنی می‌داند و به همراه تأثیرگذاری‌های دیگر، با محور ریشه داشتن معماری گوتیک در معماری کلیسایی ارمنی، در پژوهش «معماری ارمنیان و اروپا» معرفی می‌کند (تورامانیان، ۲۰۱۳، الف، ۹۷ الی ۱۰۰؛ تورامانیان، ۲۰۱۳، ب، ۳۸).

شوازی در کتاب، تاریخ معماری، خود از قسطنطنیه، ارمنستان و سوریه به عنوان مسیرهای انتقال سنت‌های «شرقی» به اروپا نام برده و تقسیمات طاق‌نماها، گنبد مبتنی بر مربع با گوشه‌سازی ترنیه، پوشش مخروطی گنبد و استفاده از نور غیرمستقیم را از تأثیرات شرقی بر معماری رمانسک می‌داند (شوازی، ۱۳۹۳). او همچنین معماری ارمنی را دارای تأثیر مستقیم بر معماری کشورهای اسلاو اروپایی تا اسکاندیناوی، بدون اثر واسطه‌ای معماری بیزانس می‌داند. صاحب‌نظران ارمنی، یکی از مهم‌ترین کاستی‌ها و دلیل برخی اظهار نظرهای نادرست در مطالعات شوازی را نداشتن آشنایی با معماری کلیسای ارمنی پیش

باره کاربردش، به میزانی از اهمیت و نقش محوری در معماری ایران دست یافت، که برخی صاحب‌نظران آن را «پروتوتایپ معماری عبادی ایران» (فلامکی، ۱۳۷۱، ۲۵۶ الی ۳۱۱) در دوره‌های پیش از اسلام و اسلامی نامیده‌اند. این نگاه به طور حتم ریشه در حیات این ساختار در دوران اسلامی و ورود به معماری «مسجد با نقشه ایرانی» (متدین، ۱۳۸۶، ۴۵) به شکل گنبدخانه دارد، که به نوبه خود بیانگر اهمیت ساختارهای مرکزگرا در معماری ایران و «تداوم» (تجویدی، ۱۳۶۳، ۱۲ الی ۲۴) این اهمیت در دوران جدیدی از نظام باورها است. حضور مرکزگرایی و ساختارهای مرکزی در تمدن‌های شرقی به قدری تعمیم یافته است، که ظهور الگوهای مرکزگرا در تمدن روم شرقی را نیز، مرتبط با الگوهای کهن باورهای شرقی معرفی کرده‌اند: «... اما در [مسیحیت] شرق، رستگاری را رویدادی کلی و جهانی می‌شمرند... در نتیجه، مرکز و دایره و گنبد به صورت اصلی فضایی بدل شد. [مسیحیت] شرق در اینجا مفهوم‌های شرقی کهن در باره نظام جهانی و بازگشت جاودانه را اختیار کرد» (شولتز، ۱۳۹۱، ۱۷۰) تفسیر دیگری از حاکمیت ساختارهای خطی در غرب و مرکزی در شرق را، هنگام توصیف معماری کلیسای بیزانسی نزد فلامکی یافت می‌شود: «محور خطی، زاده اندیشه راسیونالیستی، در این تجربه پابرجا می‌ماند و در تلفیق با قطب یا محوری که در حقیقت نمایش‌دهنده پیوند زمین و آسمان است و از این روی شرقی‌اش می‌توانیم بنامیم تنها به ظاهر انعطاف پذیرفته» (فلامکی، ۱۳۷۱، ۵۹). فلامکی علاوه بر تأیید منشا شرقی برای ساختارهای مرکزگرای بیزانسی، به برتری حقیقی ساختار خطی در این تمدن، حتی در الگوهای «به ظاهر» مرکزی پرداخته است.

ارمنستان و کلیسای ارمنی

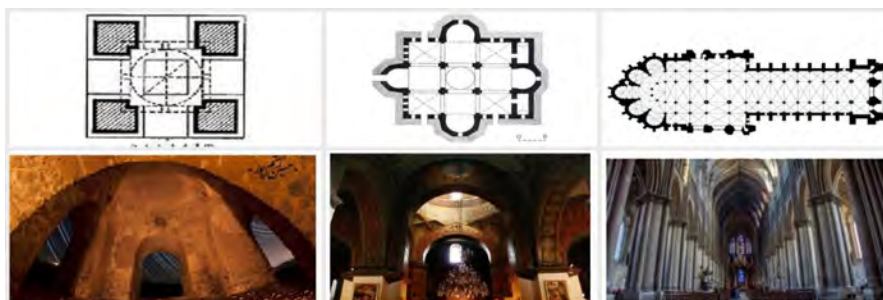
ارمنستان جمهوری مستقلی در همسایگی شمال غرب ایران است. این سرزمین تاریخی علاوه بر اتصال جغرافیایی با ایران، دارای اشتراک در ریشه‌های قومی، زبانی و فرهنگی، به ویژه در زمینه باورها و اعتقادات در دوران پیش از مسیحیت و اسلام است.^۱ «ارمنی‌ها مردمانی هستند که به زبان ارمنی، که یکی از رشته‌های مستقل گروه زبان‌های هند-اروپایی است، سخن می‌گویند... در عصر نوسنگی بخشی از اقوام هند-اروپایی... از جمله هیتی‌ها، ارمنی‌ها، یونانی‌ها و ایرانی‌ها در محدوده موطن اولیه ماندند»... (دانشنامه ارمنستان شوروی، ۱۹۸۷، ۲۸). فلات ارمنستان طبق منابع مکتوب، دست‌کم از هزاره چهارم ق م دارای جمعیت مترکیم بوده است. در عصر مفرغ، گروه‌هایی از اقوام و واحدهای سیاسی شکل می‌گیرند که به نام‌های نائیری^۱ و هایاسا^۱ در منابع آشوری و هیتی ذکر شده‌اند. یکی از این واحدهای سیاسی، قدرت یافته

شرق اروپا تأثیرگذار بوده است و تأکید بر ریشه یونانی-رومی. به تبع این نگاه کلی، صاحب‌نظران معماری چنین بیان می‌کنند که باسیلیکای رومی بنایی است که «شکل بنیادی ساختمان کلیسای مسیحی در سال‌های استقرار مسیحیت از آن مشتق می‌شود» (گاردنر، ۱۳۹۱، ۱۸۲). شواهد دیگری نیز از سیطره نسبتاً تام ساختار خطی بر معماری کلیسا، در تصور مورخان معماری جهان سخن می‌گوید. به طور مثال نزد برخی صاحب‌نظران به این دیدگاه برخورد می‌کنیم که کلیسای مسیحی دارای ساختار خطی است که تنها در مزارها یا تعمیدگاه‌ها ساختار مرکزی یافته است (Kilde, 2008, 34) و یا اینکه ساختار مرکزی در معماری کلیسا یا نوعی از همان ساختار خطی است و یا در ارتباط با قدرت زمینی و امپراتوری اجرا شده است (Kiechefer, 2004, 64). نگاهی به دوره‌های پیشرفته و متعالی هنر غرب، به محوریت کلیساهای گوتیک نیز بر اهمیت و حکومت این ساختار خطی در تفکر کلیسایی غربی صحنه می‌گذارد (تصویر الف).

تنها استثنایی که از ساختار خطی در تمدن اروپایی مسیحی دیده می‌شود مربوط به ساختارهای مرکزی در کلیساهای بیزانس و برخی کشورهای شرق اروپا است، که چنان که گفته شد، پیرو مسیحیت ارتدوکس و از نظر فرهنگی تحت تأثیر تمدن یونانی بوده‌اند. فارغ از تاریخچه و سرمنشا هر کدام، یک واقعیت، اهمیت دارد و آن انزوای نسبی ساختارهای مرکزگرای معماری کلیسا، در تاریخ‌نگاری معماری اروپا است، که می‌تواند ناشی از «تکرار محافظه‌کارانه» این الگوها در شرق ارتدوکس و تمرکز منابع، بر پرورش ساختارهای خطی در غرب و تولید سیر تکاملی آنچه که به عنوان دوره‌های تاریخ معماری جهان می‌شناسیم، باشد. اشاره زیر بیانگر این زاویه نگاه است: «... پس انسان غربی همواره راه می‌پوید و صورت فضای او «معبور» است و اما در [مسیحیت] شرق ... مرکز و دایره و گنبد به صورت اصلی فضایی بدل شد. [مسیحیت] شرق در اینجا ... کم کم از حرکت فرهنگی و اجتماعی باز ایستاد. غرب صدر مسیحیت، بر عکس، رشد تاریخی عظیمی را آغاز کرد» (شولتز، ۱۳۹۱، ۱۷۰).

معماری شرقی و مرکزگرایی

نگاهی به معماری مشرق‌زمین، به مرکزیت ایران و بین‌النهرین، نشان می‌دهد که از فراوانی بناهای عبادی مرکزگرا، چه در دوران کهن و چه در دوران متأخر، هرگز کاسته نشده است. به غیر از زیگورات‌های کهن منطقه، می‌توان در معماری ایران از معابد مرکزگرای دوران ماد و آتشدان‌های هخامنشی، تا آتشکده‌های ساسانی و به ویژه بنای موسوم به چهارطاقی نام برد (تصویر ج). چهارطاقی فارغ از اختلاف نظر در



تصویر ۱- الف: کلیسای جامع رنس، دوران گوتیک، نمونه کلیسای غربی، ب: کلیسای جامع اجمیادزین، نمونه کلیسای ارمنی، ج: چهارطاقی نیاسر، کاشان، نمونه معماری شرقی.

دین رسمی کشور اعلام کرد. در آمیختگی در عین تضاد، میان فرهنگ غربی و مسیحیت برخاسته از شرق، از یک سو و تأثیرپذیری‌های پیشین از تمدن شرق از سوی دیگر، به حدی در دوران بیزانس نمود یافت، که سبک بیزانسی را به عنوان غیرمادی شدن معماری روم و یا خاورمآب شدن ناتورالیسم هلنی دانسته‌اند (گاردنر، ۱۳۹۱، ۲۲۱).

در دوران آغازین، کلیسای مسیحی شامل هر دو ساختار خطی و مرکزی بود (جدول ۱). شولتز این دو مفهوم را بیانگر عهد (مرکز) و سیر معنوی رستگاری (معبر) می‌داند (شولتز، ۱۳۹۱، ۱۳۷). با این وجود اولین کلیساها، از جمله باسیلیکای پنج‌ناوی سان‌جووانی (۳۱۲ م.)، که پیش از رسمی شدن مسیحیت ساخته شده بود (شولتز، ۱۳۹۱، ۱۴۲)، دارای ساختار خطی، یا به اصطلاح باسیلیکایی (Kilde, 2008, 34)، بودند. در دوران بیزانس نیز ساختار مرکزی تنها ساختار رایج نبود (شولتز، ۱۳۹۱، ۱۶۶) و به ویژه در غرب امپراتوری رقیب سرسختی در قالب فضاهای وسیع خطی داشت (ایساکیان، ۱۹۹۰، ۱۴۴). به گواهی منابع تاریخ معماری، تجربه الگوهای مرکزگرا، رویکردی بود که به محوریت قسطنطنیه و در فاصله زمانی محدودی به آزمون گذاشته شد. به طور مثال باسیلیکای سانتا سابینا (۴۲۲ الی ۴۳۲ م.) را محصول زمانی می‌دانند که «دیگر آزمون دوره قسطنطنیه به پایان رسیده و باسیلیکا به صورت کلاسیک خود بازگشته است» (شولتز، ۱۳۹۱، ۱۵۴). هنگامی که به تمدن یونانی-رومی می‌نگریم، می‌توانیم پیشینیان این ساختار خطی را، چه در شکل معبد ستوندار یونانی و چه به صورت باسیلیکا، به خوبی تشخیص دهیم (جدول ۲). برخی پژوهشگران ریشه این ساختارهای خطی و تقسیمات فضایی را کهن‌تر از دوران یونانی و متعلق به معابد یهودی و به تبعیت از معابد مصری می‌دانند (تورامانیان، ۲۰۱۳، ۲۰). این محتوا را می‌توان در یک مسیر خطی منتهی به هدف مشخص خلاصه کرد. البته نظریات دیگری نیز از بدیع نبودن طرح معبد دور ستونی در تمدن یونانی سخن گفته و اشاره به معماری‌های اتروسک، اوراتو، مصر، هند و ایران می‌کنند (فلامکی، ۱۳۷۱، ۳۴۷). از سوی دیگر از ارتباط کلیساهای اولیه در تمدن غربی با خانه حیاطدار رومی، مانند نمونه دورا یوروپوس در سوریه (۲۳۰ م.)، و مهرابه‌های برآمده از شرق، مانند نمونه سان‌کلمنتیه سخن به میان می‌آید (فلامکی، ۱۳۷۱، ۴۷) منابعی نیز «کلیساهای اولیه مسیحی را ترکیبی از دهلیز سرگشاده، نمازخانه دخمه‌ای و باسیلیکای رومی» می‌دانند (گاردنر، ۱۳۹۱، ۲۲۴). شباهت به خیابان‌های رواقدار رومی، حفظ حیاط ستوندار خانه‌های رومی، سنتوری و نمای ستوندار معبد یونانی و پوشش مسطح باسیلیکای

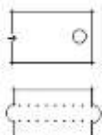
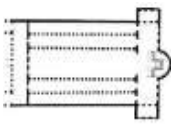

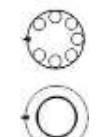
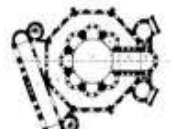

و پادشاهی وان^{۱۲} (اوراتو) را، در نیمه اول سده ۹ ق.م به وجود می‌آورد (هاکوبیان، ۲۰۰۰، ۲۹ و ۳۸). پس از آن سلسله‌های مقتدر دیگری حکومت مستقل پادشاهی تشکیل دادند تا در زمان حکومت آرشاگونی‌ها (اشکانیان ارمنی^{۱۳})، که ارمنستان در حین مبارزه با قدرت‌هایی مانند ساسانیان و بیزانسی‌ها استقلال سیاسی خود را از دست داد اما همواره استقلال ملی، مذهبی و فرهنگی خود را حفظ کرد. ارمنستان در برخی از سده‌های بعدی، حکومت مقتدر مرکزی خود را باز یافته و در سده‌های متاخر بخش‌هایی از این سرزمین، میان حکومت ایران، ترکیه عثمانی و روسیه دست به دست شده که تغییرات مداومی را در مرزهای سیاسی منطقه موجب شده است (دانشنامه ارمنستان شوروی، ۱۹۸۷، ۲۸).

کلیسای ارمنی که از همان سده اول م. با پذیرش مسیحیت توسط پادشاه وقت ارمنستان بنیان گذاشته شد، اولین کلیسای رسمی جهان است که در سال ۳۰۱ م. توسط حکومت وقت رسمیت یافت و جنبه ملی به خود گرفت (دانشنامه ارمنستان شوروی، ۱۹۷۷، ۱۵۳). برخی منابع دینی معاصر، کلیسای ارمنی را در زمره «کلیساهای اولیه» (URL3)، برخی «کلیساهای شرقی» (آفانیان، ۲۰۰۸، ۱۸) و برخی دیگر حتی بخشی از کلیسای ارتدوکس^{۱۴} (URL4) دانسته‌اند. از نظر منابع رسمی کلیسای ارمنی: «کلیسای ارمنی، نام رسمی کلیسای مقدس ارمنستان و به معنی کلیسای ملت ارمنی است... توسط دو تن از حواریون به نام‌های تادئوس و باردوقیمئوس (بارتولمه) در سده اول م. پایه‌گذاری شده و در سده چهارم م. به کوشش گریگور روشنگر و پادشاه وقت به رسمیت شناخته شده است» (خلیفه‌گری ارمنه تهران، ۲۰۰۲، ۷۵). چهره معماری ملی ارمنی به طور قطع با پذیرش مسیحیت در ابتدای سده چهارم م. وضوح بیشتر یافت و در تمام طول تاریخ هفده سده‌ای خود، بیش از هر نوع دیگر در معماری کلیسا (تصویر ۱ب)، نمود یافت (حاسراتیان، ۲۰۱۰، ۷).^{۱۵} تحلیل زمینه‌گرایی ساختارهای خطی و مرکزی در ارمنستان و غرب هنگام بررسی ساختارهای رایج در سده‌های اولیه تاریخ معماری کلیسا، ساختارها و تیپ‌های آشنا از فرهنگ معماری پیش از مسیحیت در هر کدام از دو زمینه قابل تشخیص هستند. این بخش از پژوهش به بررسی ساختارهای اولیه معماری مسیحی در دو سرزمین و ارتباط آنها با زمینه فرهنگی موجود اختصاص دارد.

معماری کلیسا در غرب و زمینه یونانی-رومی

مسیحیت از ابتدای تاریخ خود در میان شهرهای بزرگ روم عصر امپراتوری به سرعت گسترش یافته بود و نهایتاً کنستانتین امپراتور آن را

جدول ۱- ساختارهای خطی و مرکزی در معماری آغازین کلیسای غربی به همراه الگوهای پیشین، پراکندگی جغرافیایی، ویژگی‌های معماری و نمونه هر کدام.

ساختار	ساختار پیشین	پراکندگی	ویژگی‌ها	نمونه	پلان	حجم / فضا
خطی		باسیلیک مسیحی بیشتر در غرب امپراتوری	قرینگی خطی موکد انواع سه و پنج ناوی پوشش و برش باسیلیکایی فضای مشابه خیابان رومی	کلیسای سن پیترو در رم سده چهارم م		
مرکزی		عمدتاً مزار بیشتر در شرق امپراتوری	تقارن مرکزی اشکال دایره‌ای و هشت ضلعی گنبد مبتنی بر هشت ضلعی	کلیسای سان ویتاله در راونا سال ۵۴۷ م		

ابتدای سده اول م وارد کشور شده بود، به رسمیت پذیرفت. از کلیساهای قبل از سده چهارم م. اثری در دست نیست و توصیفی نیز به جا نمانده است. بنابراین تاریخ معماری کلیسای ارمنی از ابتدای سده چهارم م. آغاز می‌شود. دو اصل جهت درک صحیح ماهیت آن حائز اهمیت بنیادی است؛ اول: پیشگام‌بودن ارمنستان در پذیرش مسیحیت و ساخت کلیسا و دوم: ارتباط قوی معماری مسیحی ارمنی با فرهنگ معماری و سنت‌های پیشامسیحی موجود (حاسراتیان، ۲۰۰۱، ۷). در همان ابتدای سده چهارم م کلیسای ارمنی، در دو ساختار شاخص و متفاوت ظاهر شد؛ کلیساهای خطی بدون گنبد که آنها را باسیلیکا نامیده‌اند و کلیساهای مرکزگرای گنبددار (جدول ۳). در باره معنانشناسی این دو ساختار چنین می‌خوانیم: «کلیسای باسیلیکایی نماد کشتی نجات است که در جریان زندگی مأمون است. کلیسای دارای پلان صلیبی یادآور صلیب مسیح به عنوان بنیان کلیسا است و کلیسای مرکزگرا نشانه ابدی بودن کلیسای خداوند است» (دانشنامه ارمنستان مسیحی، ۲۰۰۲، ۹۷). اکثر کلیساهای اولیه ارمنستان متعلق به نوع سالن کشیده تک‌ناوی و تعداد اندکی نیز (باسیلیک) سه‌ناوی بودند، فقط هفت نمونه از نوع اخیر باقی مانده‌است (حاسراتیان، ۲۰۰۱، ۸).

صاحب‌نظران ارمنی نام‌گذاری باسیلیکا را برای این نوع از کلیسای ارمنی قراردادی (هاروتیونیان، ۱۹۹۲، ۷۰) و این بناها را دارای ریشه‌های صرفاً محلی می‌دانند (Hasratian, 2000, 10). حاسراتیان تصریح می‌کنند که این تیپ اهمیت زیادی در روند تکامل معماری ارمنی نداشته است و باید تأکید کنیم که نوعی منحصربه‌فرد و متفاوت از باسیلیکای غربی است (Hasratian, 2000, 11). هنگامی که به زمینه معماری کلیسا در ارمنستان می‌نگریم، می‌بینیم که اولین کلیسای جامع ارمنی در محل معبد پیشامسیحی متعلق به واهاگن^{۱۶} واقع در آشتیشات^{۱۷} ساخته شد. برخی از معابد پیشامسیحی، تقدیس شده و مستقیماً مورد استفاده دین جدید قرار گرفتند، برخی معابد پیشین نیز با حفظ نسبی دیوارها بازسازی شدند (حاسراتیان، ۲۰۰۰، ۱۲). باید اضافه کنیم که ارتباط زنجیره‌ای معابد اورارتویی با معابد متاخر پیشامسیحی و سپس

رومی از جمله ویژگی‌های زمینه‌گرایی هستند که در برخی کلیساهای اولیه به خوبی دیده می‌شوند و حفظ ساختار خطی در راس تمامی آنها قرار دارد (جدول ۲).

در مورد ساختارهای مرکزگرای تمدن بیزانس، دو نکته حائز اهمیت است؛ ابتدا آنکه اکثر آنها به صورت مقبره یا زیارتگاه ساخته می‌شدند و دوم، اقبال بیشتر را در شرق امپراتوری، خصوصاً شهر راون، داشتند (شولتز، ۱۳۹۱، ۱۳۷؛ Kilde, 2008, 34-35؛ گاردنر، ۱۳۹۱، ۲۲۶، ۲۲۷ و ۲۳۵). این «نفوذ شرقی» را تمدن غربی در زمان شارلمانی، کنار زد و بازگشتی آگاهانه به الگوهای خطی (باسیلیکایی) داشت (شولتز، ۱۳۹۱، ۱۵۴ و گاردنر، ۱۳۹۱، ۲۷۸). نگاهی دیگر به تمدن زمینه‌ای این معماری، نمایانگر حضور هر دو ویژگی مطرح معماری بیزانس در زمینه ساختارهای مرکزگرا است؛ یعنی رواج بیشتر در معماری مقابر و داشتن پایه عمدتاً دایره‌ای. معبد نامی پانتئون موید اهمیت این نوع مرکزگرایی است. همانطور که از فلسفه وجودی معبد «تمام خدایان»، بر می‌آید، این معبد حقیقتاً مدور، نوعی تکرار شعاعی از همان محتوای خطی منتهی به تندیس، در معبد یونانی است. با این نگاه مشخص می‌گردد، چرا شولتز، ظهور ساختار مرکزی در دوران خاصی از معماری غرب را در راستای اهمیت یافتن انسان به عنوان سازنده تاریخ معرفی می‌کند و چرا محور عمودی را بر خلاف آنچه که در تفکر شرقی شاهد بودیم، معرف مکان زمینی و بنابراین در تقابل با قدرت آسمانی می‌داند. انگاشت صاحب‌نظران غربی از کاربرد مرکزیت در ارتباط با قدرت زمینی و امپراتوری نیز با این رویکرد روشن‌تر می‌شود (Kiechefer, 2004, 64). مرکزگرایی، که صفت متمایز تمدن بیزانس در دوران یوستینیانوس دانسته می‌شود (شولتز، ۱۳۹۱، ۱۴۴) تا حد زیادی مرتبط با حاکمیت مرکزگرایی در ساختارهای ترکیبی شکل گرفته در این تمدن است.

معماری کلیسا در ارمنستان و زمینه محلی

چنان‌که مشخص شد، ارمنستان اولین کشور مسیحی جهان است، که تقریباً ربع قرن پیش از امپراتوری بزرگ روم، مسیحیت را، که از

جدول ۲- ساختارهای خطی و مرکزی در معماری یونانی-رومی به همراه الگوهای ساختاری، کاربرد رایج، ویژگی‌های معماری و نمونه هر کدام.

الگوی کلی	تحلیل ساختاری	نوع کاربری	ویژگی‌ها	نمونه	پلان	برش/افضا
ساختارهای خطی		معبد یونانی	حجم صلب مستطیلی مقصوره با تندیس ایزد قربنگی خطی مسیر خطی منتهی به تندیس	معبد آپولو در آکروپولیس تمدن یونان سال ۴۲۲ الی ۴۴۷ ق م		
		باسیلیک رومی (مدنی)	شکل مستطیلی دو یا چند مذبح نیمدایره کشیدگی عرضی گسترده‌گی و تقارن خطی	باسیلیک اولیا در رم، ۱۱۲ م		
ساختارهای مرکزی		معبد رومی	پلان مدور و تقارن مرکزی ترکیب راستا با مرکز گنبد متکی بر دایره مرکز از نوع انتشار محورهای منتهی به تندیس تمام ایزدان	معبد پانتئون در رم، ۱۲۶ م		
		مزار رومی	پلان هشت ضلعی تقارن مرکزی گنبد متکی بر هشت ضلعی مرکز از نوع تابیدن محور خطی حول نقطه مرکزی	مزار دیوکلتیانوس در کرواسی، ۳۰۰ الی ۳۰۶ م		

کشورهای مسیحی جدا می‌کند عبارت است از: تنوع تیپ‌های شکل گرفته در این فاصله زمانی و ایده اصلی و حاکم سازماندهی فضای داخلی زیر یک گنبد مرکزی» (حاسراتیان، ۲۰۱۰، ۲۰). نوع مرکز‌گرایی کلیسای ارمنی، دارای ریشه‌های منحصرًا محلی دانسته می‌شود (حاسراتیان، ۲۰۰۰، ۱۱). کلیسای جامع اجمیادزین اولین نمونه از این بناها است که در سال ۳۰۱ م. به صورت مرکز‌گرا و گنبددار ساخته شد (حاسراتیان، شاخکیان، ۲۰۰۷، ۹۷). تیپ صلیب مستقل، تیپ ماستارا، تیپ هرپسیسمه و پلان چند ضلعی یا تیپ زوارتنوتس انواع دیگر از کلیساهای مرکز‌گرایی ارمنی هستند که در امتداد یکدیگر و در کنار ساختارهای خطی در دوران اولیه معماری کلیسای ارمنی حضور داشتند. با نگاه به زمینه محلی این معماری در می‌یابیم که بناهای اوراتویی که به نام «معبد مریعی» شناخته می‌شوند، از اولین نمونه‌های معابد مرکز‌گرا در این محدوده جغرافیایی هستند (حاسراتیان، ۲۰۰۰، ۱۰) و اینکه ریشه گنبد ارمنی را باید در خانه‌های مسکونی این منطقه که نقل آنها از هزاره پنجم ق م به ما رسیده است، جستجو کرد. این الگو، نورگیری مخروطی و چوبی، متکی بر چهار ستون است، که نمونه‌های اوراتویی آن، به شکل فضای اصلی خانه‌های مسکونی به نام «گلخاتون»، حفظ شده‌اند (هاروتیونیان، ۱۹۹۲، ۲۵۲ الی ۲۵۷). از سوی دیگر باید تأکید کرد که بناهای دایره‌ای یا چندضلعی که در برخی قسمت‌های تمدن هلنی وجود داشته و زمینه‌ساز پیدایش کلیساهای مشابه در سده‌های بعدی معماری غرب، شده‌اند، برای معماران ارمنی ناآشنا بوده‌اند (حاسراتیان، ۲۰۰۰، ۱۱) و نمی‌توانند منشا پیدایش کلیساهای مرکز‌گرا محسوب شوند. در حالی که مطالعات نوین تاریخ معماری ارمنی حاکی از وجود نوعی از معابد مردمی با ساختار محتمل مرکز‌گرا است، که یک نمونه از آنها

مسیحی نیز از اهمیت ویژه برخوردار است (حاسراتیان، ۲۰۱۰، ۱۱). اشاره متخصصان به پیشینیان محلی برای کلیساهای خطی ارمنی به معابد مشابهی بازمی‌گردد که از دوران اورارتو در معماری عبادی حضور داشته‌اند. دو نوع، معابد شناخته شده دوران اوراتویی، دارای ساختار خطی، با دو گونه محور طولی و عرضی هستند (آکادمی علوم ارمنستان، ۱۹۹۶، ۱۵۹ الی ۱۷۴). از معماری معابد در دوران باورهای پیش از مسیحیت در ارمنستان اثر چشمگیری باقی نمانده است. اما طبق اطلاعات منابع تاریخی حاصل، بیشتر معابد پیشامسیحی ارمنی بناهایی مستطیل شکل بوده‌اند، که سین (محراب) آنها در سمت مغرب قرار داشت (حاسراتیان، ۲۰۰۰، ۱۰). تنها معبد باقی‌مانده از دورانی که به زعم صاحب نظران، ارمنستان تأثیر تمدن هلنی را تجربه می‌کرد، یعنی معبد خدای میهر در دژ گارنی، نیز دارای ساختار خطی با تناسبات مشابه معابد پیشین است؛ اما چه تأثیر این نوع معماری (هلنی) بر معماری ارمنی را برخی صاحب نظران بسیار محدود می‌دانند.^{۱۸} علاوه بر بناهای عبادی، حاسراتیان سالن ستوندار پذیرایی در تمدن اورارتو را، به عنوان الگوی محلی برای باسیلیک یا سالن سه‌ناوی در معماری کلیسای ارمنی، معرفی می‌کند (حاسراتیان، ۲۰۰۰، ۱۱). تناسبات و ویژگی‌های معماری این سالن‌های سه‌ناوی معماری ارمنی، از جمله پوشش سقف آنها، دارای تفاوت‌های چشمگیر با معابد خطی غربی و اشتراک با نمونه های اوراتویی است (جدول ۴).

اهمیت ساختارهای مرکز‌گرا و گنبددار که دستکم از همان ابتدای سده چهارم م در معماری کلیسای ارمنی نمود یافتند، به قدری محوری و تأثیرگذار است که در باره معماری سده‌های اولیه کلیسای ارمنی می‌خوانیم: «ویژگی اصلی که معماری کلیسای ارمنی را از دیگر

جدول ۳ - ساختارهای خطی و مرکزی در معماری آغازین کلیسای ارمنی به همراه الگوهای پیشین، عنوان شناخته شده هر تیپ، ویژگی‌های معماری و نمونه هر کدام.

ساختار نوین و پیشین	تیپ/اهمیت	ویژگی‌ها	نمونه	پلان	حجم / فضا
ساختارهای خطی	سالن ساده / باسیلیک تک ناوی سده های اولیه	دارای انواع کشیده و نزدیک به مربع انواع با و بدون مخارجه با اتاق ها و سالن های جنبی یا بدون آنها	کلیسای استپانوس قدیس در لرناکرد سده چهارم م		
	سالن ستوندار / باسیلیک سه ناوی تعداد محدود	دارای انواع دو و سه جفت ستون انواع الحاقات مقاطع باسیلیکایی و ساده	کلیسای صلیب مقدس در کاساخ سده چهارم م		
ساختارهای مرکزی	صلیبی گنبد- مرکزی / با ستون‌های آزاد تیپ مولد	گنبد مرکزی متکی به چهار ستون پلان صلیبی در مربع	کلیسای جامع مقدس در اجمیادزین سال ۳۰۱ م		
	کلیسای کوچک / چهار محرابی تیپ مولد متعدد و ماندگار	گنبد مرکزی دارای انواع یک، سه و چهار محرابی	کلیسای مانکاتوتس در اوشاکان سده هفتم م		
	تیپ چهار محرابی گنبد مرکزی / محاط در مستطیل متعدد و ماندگار	گنبد مرکزی پلان چهار محرابی داخلی دارای انواع متعدد اتاق های گوشه و انواع پنج گنبدی	کلیسای هرپسیسمه قدیس در اجمیادزین سال ۶۱۸ م		
	چهار محرابی چندمحرابی / مدور ماندگار	گنبد مرکزی محیط چندضلعی یا مدور دارای انواع شش و هشت محرابی	کلیسای زوارتنوتس مقدس سده هفتم م		


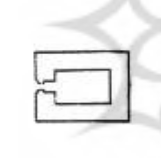
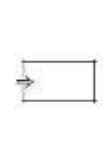

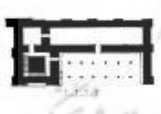
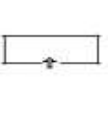

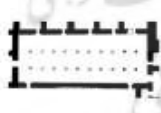
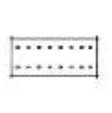

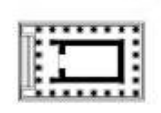
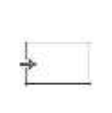
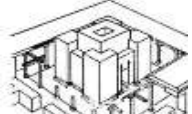
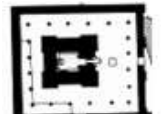
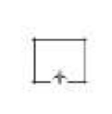


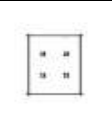

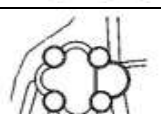
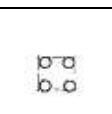
بنا، می‌تواند، جای‌دادن گنبد مرکزی در میانه یک باسیلیکا، قلمداد شود، به ویژه این‌که گنبد حقیقتاً بر یک باسیلیکای موجود افزوده شده است. اما اولین نمونه بازمانده، از قرار دادن گنبد در میانه باسیلیکا، که در معماری ارمنی موسوم به «باسیلیک چهارستونی» است، پیش‌تر از نمونه بیزانسی و در فاصله سال‌های ۴۷۸ الی ۴۹۰ م، در کلیسای جامع دگور، تجربه شده‌است (حاسراتیان، ۲۰۰۱، ۸). گنبد این کلیسا، اولین نمونه گنبد سنگی حفظ شده در کلیسای ارمنی است (حاسراتیان، شاخکیان، ۲۰۰۷، ۱۰۴)، و حلقه مهمی نیز برای درک رابطه گنبد کلیسای ارمنی با نورگیرهای سقفی خانه‌های مسکونی محلی محسوب می‌شود (هاروتیونیان، ۱۹۹۲، ۱۱۹). توجه به تصویر تحلیلی این ترکیب در دو معماری، گویای تفاوت تناسبات آنها به نفع مرکزگرایی در نمونه ارمنی و همچنین اهمیت چهار ستون زیر گنبد خواهد بود. علاوه بر ساختار نوین، این بنا ارائه دهنده ظهور یک عنصر آشنا، یعنی گنبد، در معماری بیزانس است. پس از تجربه گنبد‌های مدور و چندوجهی، برای اولین بار در این بنا، گنبد بر پایه مربع، قرار داده شد. گاردنر گنبد کنونی را تحت نام طاسچه‌ای معرفی می‌کند و می‌گوید: «ظاهراً پس از سال‌ها آزمایشگری توسط معماران خاور نزدیک و کمک معماری بیزانس به مهندسی معماری ابداع شد» (گاردنر، ۱۳۹۱، ۲۴۵). گنبد این بنا، پس از ساخته شدن در سال ۵۳۲ م. دو بار فرو ریخت و در ۹۸۹ م. معماری معروف ارمنی، به نام ترداد، به روش گنبدسازی رایج در ارمنستان گنبد

متعلق به سده ۱۱ الی ۴ م، در شهر آنی حفظ شده‌است. این معابد می‌توانند تا حدی مرتبط با آتشکده‌های ساسانی دانسته شوند (آکادمی علوم ارمنستان، ۲۰۰۲، ۲۰).

تحلیل قیاسی ساختارهای ترکیبی در معماری کلیسا

گره مطالعه تطبیقی معماری کلیسا مربوط است به فاصله سده‌های چهارم الی هفتم م، موسوم به دوران طلایی، در معماری ارمنی و تمدن بیزانس، در معماری جهان. در این دوره هر دوی این تمدن‌ها سرشار بودند از کاربست تجرب پیشین در کارکرد جدید و ترکیب آنها در راستای دستیابی به تجارب نوین (جدول ۵). پیگیری روند ترکیب ساختار خطی و مرکزی در تمدن بیزانس، به ویژه در قیاس با معماری ارمنی مسائل مهم زیادی را بازگو می‌کند. ترکیب‌های اولیه، عبارت بودند از کنار هم قراردادن ترکیب خطی و مرکزی (گاردنر، ۱۳۹۱، ۲۲۷) یا همان خط منتهی به مرکز، که به ذاتاً مشابه محتوای معبد یونانی است و همچنین ساختار مرکزگرا به مقطع باسیلیکایی، که همان حرکت خطی حول یک محور است. باسیلیکای مدور البته خیلی زود به فراموشی سپرده شد و مزارها نیز مانند باسیلیکاهای خطی با الگوی سن‌پیتر در رم (۳۳۳ م.) ساخته شدند (شولتز، ۱۳۹۱، ۱۴۲). قرار دادن مرکز در میانه مسیر خطی، که در کلیسای هاگیا سوفیا رخ داد، تلاش دیگری برای ترکیب ساختارها است. این اتفاق با توجه به پلان خطی


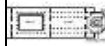





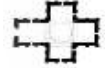











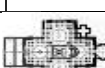






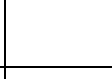






جدول ۴- ساختارهای خطی و مرکزی در معماری ارمنستان پیش از مسیحیت، به همراه الگوهای ساختاری، کاربرد رایج، ویژگی‌های معماری و نمونه هر کدام.

		معبد سوسی قلعه اربونی شهر ایروان - پلان سال ۷۸۶ الی ۷۶۴ ق م معبد ایزد خالد در مواصیر - نما هزاره دوم ق م	محور طولی تناسبات نزدیک به مرکزگرایی	معبد اورارتوئی		ساختارهای خطی
		معبد ایزد خالد قلعه اربونی - شهر ایروان سال ۷۸۶ الی ۷۶۴ ق م	محور عرضی دارای انواع ستوندار با مخارجه نیمدایره و نورگیرهای سقفی	معبد اورارتوئی		
		سالن در قلعه آرماویر سده ۸ ق م - پلان معبد در قلعه کیف کالسی سده ۸ الی ۷ ق م - فضا	تیپ کلی سالن ستوندار دارای تعداد ردیف‌های متنوع ستون فاقد محور موکد	سالن پذیرایی اورارتوئی معبد		
		معبد ایزد میهر دژ گارنی نیمه دوم سده اول م	محور طولی عمدتاً رو به غرب دارای پوشش‌های منحنی و مسطح	معبد پیشامسیحی		
		معبد یرزنکا آلتن تبه - ترکیه سده ۸ ق م	تقارن مرکزی فرم مربع کامل اهمیت چهار کنج ساختار مرتفع نورگیر مرکزی	معبد اورارتوئی		ساختارهای مرکزی
		قلعه نیشبانی شهر ایروان نیمه اول سده ۷ ق م	ساختار مرکزگرا با محیط مستطیلی یا مربعی اهمیت چهار ستون نورگیر در مرکز	خانه بومی		
		معبد آتش شهر آنی - ترکیه سده ۱۱ الی ۴ م	تقارن مرکزی قوی اهمیت چهار ستون گنبد مبتنی بر مربع محورهای متعامد پلان صلیبی	معبد پیشامسیحی		

حاصل شد (حاسراتیان، شاخکیان، ۲۰۰۷، ۱۰۴). باسیلیک سه‌محرابی الگوی بناهای بسیاری در خارج از محدوده ارمنستان به ویژه قفقاز جنوبی و گرجستان شد^{۱۶} (حاسراتیان، ۲۰۰۱، ۱۲) و سالن گنبددار، کلیسایی منحصرأرمنی است که یکی از درخشان‌ترین پاسخ‌های این معماری به شرایط زلزله‌خیز منطقه بوده است (آکادمی علوم ارمنستان، ۲۰۰۲، ۲۷۰). ترکیب بعدی در تمدن بیزانس، موسوم به پلان صلیبی پنج‌گنبدی، که در کلیسای حواریون مقدس در دوره یوستینیانوس ظهور کرد، در اصل تکرار گنبدها در امتداد محورهای متقاطع یک باسیلیک است. کلیسای سن‌مارکو در ونیز که به شکل کنونی خود، در سده ۱۱ م. ساخته شده

نهایی را اجرا کرد (تورامانیان، ۲۰۱۳ الف؛ Maranci, 2003). مهم‌تر از این، باید به یاد داشت که بناهای دارای گنبد بر پایه مربع در معماری ارمنی، از ابتدای سده چهارم م ساخته می‌شدند. روند گنبددارشدن ساختارهای خطی در معماری ارمنی دو ارمغان منحصربه‌فرد دیگر نیز به بار آورد، «باسیلیک سه‌محرابی» که کلیسای جامع دوین پس از بازسازی سال‌های ۶۰۸ الی ۶۲۸ م. از باسیلیک سه‌ناوی معمولی به اولین نمونه این تیپ تبدیل شد (حاسراتیان، ۲۰۰۱، ۱۲) و «سالن گنبددار» که قدیمی‌ترین نمونه باقی‌مانده این تیپ نیز از بازسازی یک باسیلیک سه‌ناوی در کلیسای پوقوس-پتروس زوونی

جدول ۵- ساختارهای ترکیبی در معماری ارمنستان و غرب، به همراه الگوهای ساختاری، نمونه‌ها و ویژگی‌های معماری آنها.

تحلیل ساختاری	نام و نمونه	پلان	حجم / فضا	ویژگی‌ها	تحلیل ساختاری	نام و نمونه	پلان	حجم / فضا	ویژگی‌ها
	ساختار خطی منتهی به مرکزی کلیسای میلاد مقدس بیت المقدس سده چهارم م			قرارگیری دو ساختار در امتداد یگدیگر و نه در ترکیب مزار در بخش مرکزگرا					
	ساختار مرکزگرا با مقطع باسیلیکایی مزار سانتا کوستانتسا رم ۳۴۵ م			تابیده شدن محور حول مرکز گنبدی مقطع باسیلیکایی کاربرد در مزار					
	ساختار صلیبی مزار گالا پلاکیدیا راونا ۴۲۵ تا ۴۵۰ م			گنبد مکعبی ابعاد کوچک معدود کاربرد در مزار		صلیب مستقل کلیسای قازار قدیس سارناقیبور سده پنجم م			ساختار مرکزی ابعاد کوچک دارای انواع یک سه و چهار محرابی
	گنبد در میانه ساختار خطی کلیسای حکمت مقدس قسطنطنیه ۵۲۲ م			گنبد مبتنی بر مربع چهار ستون و قوس متقابل به مستطیل انتقال بار با نیم گنبد		باسیلیک گنبددار کلیسای دگور ترکیه کنونی سال ۴۷۸ الی ۴۸۰ م			ساختار مرکزی گنبد در میانه سالن سه‌ناوی مبتنی بر مربع و چهار ستون مجزا
	باسیلیک گنبددار (متعدد) کلیسای حواریون مقدس قسطنطنیه ۵۵۰ م			ساختار صلیبی پنج گنبد تقریباً هم اندازه در مرکز و بال‌های صلیب		باسیلیک گنبددار سه محرابی کلیسای جامع تالین سده هفتم م			ساختار صلیبی گنبد در تقاطع محورها دارای انواع دو و شش ستونی
	ساختار پنج گنبدی کلیسای نئا قسطنطنیه سده نهم م			ساختار صلیبی داخلی مستطیل خارجی گنبد مرکزی بزرگ چهار گنبد در امتداد اقطار مربع		چهار محرابی گنبد مرکزی تیپ آوان کلیسای جامع آوان سال ۵۹۱ م			ساختار صلیبی داخلی مستطیل خارجی چهار گنبد در کنج‌ها دارای نوع تک گنبدی
						سالن گنبددار کلیسای جامع آروچ سده ششم م			گنبد بر فراز ساختار خطی مرکز موکد ترکیب ستون و دیوار

چنان که از معابد اورارتویی مشخص است، متکی بر مربع بوده و چنان که از چهار ستون زیرگنبد نورگیر خانه‌های محلی و از معبد چهارتاقی شهر آنی پیدا است، مبتنی بر چهار پایه و دو محور متقاطع است. پیش از این دیدیم چگونه شولتز با انگاشت غربی از مرکزگرایی و با فرض انسان در مرکز معبد و به نحوی که رو به سوی هر کدام از محورهای متعدد دارد، از اهمیت یافتن او در فضا، نسبت به معابد خطی، سخن می‌گوید، در حالی که در کلیسای ارمنی مرکز مربع زیر گنبد و محل تقاطع محورهای اصلی، محل شروع حرکت کاربر نبوده بلکه به نوعی مقصد است. در الگوی مشابهی در معابد مرتبط با آتش تمدن ایران، می‌بینیم که این مرکز، همان قلب نیایشگاه یا آتشگاه است (فلامکی، ۱۳۷۱، ۲۴۳ الی ۲۵۶). تأکید صاحب‌نظران معماری ارمنی بر عدم آشنایی معماران ارمنی با مقابر مرکزگرای هلنی، که بر پایه دایره هستند، (حاسراتیان، ۲۰۰۰، ۱۱) از یک سو و اعتقاد برخی صاحب‌نظران تاریخ معماری، مانند استرژیکوسکی، بر انتقال گنبد مبتنی بر مربع از معماری ارمنی به تمام معماری‌های مسیحی دیگر در جهان (حاسراتیان، ۲۰۰۸، ۴۹) از سوی دیگر، تأییدی بر این تفاوت بنیادی میان ساختارهای مرکزگرا و گنبددار که ریشه غربی دارند و نوع مرکزگرایی تصویر شده در ساختار کلیسای ارمنی است. بنابراین دو پرسش پژوهش را می‌توان این گونه پاسخ گفت که: ساختارهای خطی در معماری غربی و ساختارهای مرکزی در معماری ارمنی دارای رواج بیشتر هستند و منشا ساختارهای مرکزی در دو فرهنگ نیز متفاوت و متکی بر زمینه است. از سوی دیگر عمده کلیساهای اولیه و سپس تمام کلیساهای غرب امپراتوری بیزانس با الگوهای خطی سه یا پنج‌ناوی، مشابه معبد یونانی یا باسیلیک رومی و یا ساختارهای تأثیرگذار دیگر، ساخته می‌شدند. حال آنکه ساختارهای خطی معماری ارمنی، که رواج تاریخی محدودی نیز داشتند، با الگویی کاملاً متفاوت و عمدتاً تک‌ناوی ساخته می‌شدند، که علی‌رغم وجود نظریه‌هایی در باره ارتباط این ساختارهای خطی با باسیلیک غربی یا بناهای مشابه سوری^۲، مطالعه تطبیقی آنها با معابد اورارتویی موید خویشاوندی نزدیک آنها و ریشه‌های محلی این ساختارها است (حاسراتیان، ۲۰۱۰). بنابراین پاسخ به دیگر پرسش پژوهش، در باره منشأ مشترک ساختارهای خطی در دو معماری نیز منفی است.

اما در مورد ساختارهای ترکیبی که دست آورد حقیقی دو تمدن در دوران جدید هستند، بررسی تقدم و تاخر و ویژگی‌های دقیق معماری حائز اهمیت است. بررسی‌ها نشان داد که عمده ترکیب‌های اولیه در تمدن غربی ذات مرکزگرا نداشتند و الگوهای مرکزگرای حقیقی، از جمله باسیلیکای گنبددار و کلیسای صلیبی گنبد مرکزی دارای نمونه‌های پیشینی در معماری ارمنی بوده‌اند. پس از دوران به اصطلاح آزمون و خطای بیزانس، معماری غرب و شرق اروپا چهره نسبتاً ثابتی به خود گرفتند و کلیساهای غربی به ساختار خطی و تقویت آن پرداختند و کلیساهای شرق اروپا به تکرار نسبتاً محافظه‌کارانه الگوی به دست آمده ادامه دادند. بنابر آن چه که در بالا آمد، و در پاسخ به دیگر پرسش پژوهش، این گونه از کلیساهای شرق تمدن اروپا را، باید متأثر از معماری شرقی و وام‌دار کلیسای ارمنی دانست.

است، متعلق به همان الگو دانسته می‌شود (شولتز، ۱۳۹۱، ۱۶۲). منابع ارمنی، با نام‌گذاری صلیبی این تیپ مخالف بوده و عنوان باسیلیکای گنبددار را صحیح‌تر می‌دانند، زیرا نیروی رانش گنبد مرکزی در این بنا، کمابیش همانند هاگیا سوفیا، به وسیله وزن گنبد‌های جانبی خنثی می‌شود، در حالی که کلیساهای گنبد مرکزی به کمک طاق‌های بال‌های صلیب، بار گنبد را به زمین منتقل می‌کنند (ماروتیان، ۲۰۰۳، ۸۱). نوع دیگری از کلیسای بیزانسی، پس از تجربه نمونه‌های ساختاری متنوع با گنبد‌های مرتفع و فضاهای مرکزگرای متعدد نهایتاً در یک نوع غالب و منتظم قوام یافت. این ساختار حقیقتاً مرکزگرا، که اولین نمود خود را در کلیسای نئا متعلق به سده نهم م. به نمایش گذاشت، اقبال بیشتر یافت و به تیپ سنتی کلیسای شرق اروپا بدل شد. کلیسای سن‌پیترو رم متعلق به همان سده نهم م. از نظر ساختاری مشابه این بنا محسوب می‌شود (گاردنر، ۱۳۹۱، ۲۴۹). نمونه آخر که ساختاری است با گنبد مرکزی و گنبد‌هایی در امتداد اقطار مربع، فضایی صلیبی در درون ایجاد می‌کند و انتقال بار به وسیله بال‌های صلیب در آن انجام می‌شود. الگوی پیشین این ساختار، به صورت کلیسای جامع آوان، در دهه هفتاد سده ششم م و نمونه پیشرفته‌تر و تک‌گنبدی آن، در کلیسای هرپیسیمه در سده هفتم م. در معماری ارمنی ظهور و پس از آن بسیار تکامل و تعدد یافت. طبق نظر متخصصان و بر مبنای دیدگاهی از استرژیکوسکی، کلیساهای گنبد مرکزی ارمنی با پلان صلیبی با آغاز از نمونه سده چهارمی اجمیادزین، بر کلیسای نفا در قسطنطنیه تأثیر گذاشته و از آن پس کلیساهای ژرمنی در فرانسه، سان‌ساتیرو در ایتالیا، آتوس در یونان و نهایتاً کلیسای معروف سن‌پیترو در رم، با این الگو ساخته شده‌اند (حاسراتیان، ۲۰۰۸، ۴۸). بنابراین کلیسای آوان، که به نوبه خود در ارتباط با تیپ مرکزگرای اجمیادزین است، اولین نمونه پنج‌گنبدی در جهان و پیش‌تر از نسخه بیزانسی محسوب می‌شود (ماروتیان، ۲۰۰۳، ۸۱). کلیسای صلیبی با گنبد مرکزی، همان پلان شناخته شده کلیسای یونانی، روسی و اکثر کشورهای شرق اروپا است.

جمع‌بندی تحلیل‌ها

اگر مرکزگرایی در دوران اورارتویی، دوشادوش ساختارهای خطی و در دوران پیشامسیحی، به علت اشاعه حکومتی فرهنگ هلنی، در سایه آنها، به حفظ حضور خود در معماری عبادی ارمنی ادامه داده است، در دوران مسیحی قطعاً به عنوان ویژگی شاخص (حاسراتیان، ۲۰۱۰، ۲۰) و حتی وجه ممیز معابد دین جدید مطرح بوده است (آکادمی علوم ارمنستان، ۱۹۶۴، ۹۲).

ساختارهای مرکزی اما در محدوده تمدن مسیحی غربی علاوه بر ظهور محدود از نظر جغرافیایی و کارکردی، دارای ویژگی‌های ساختاری متفاوت با مرکزگرایی مشاهده شده در کلیسای ارمنی است. اگر در تمدن غربی، با الگوی اصلی دایره به عنوان تعریف مرکزگرایی مواجهیم و این دایره یا چندوجهی مشابه آن، از انتشار مرکزی محور خطی مانند معبد پانتئون و یا گردش محور خطی حول مرکز عمودی بنا، مانند مقبره دیوکلتیانوس حاصل شده است؛ مرکزگرایی در معماری ارمنی،

نتیجه

همان معماری شناخته شده کلیسا در جهان و معماری کلیسای ارمنی،

از بررسی تطبیقی آغاز معماری کلیسا در تمدن مسیحی غربی، یا

مربعی و نورگیر خانه‌های بومی، با نمونه‌های عمدتاً دایره‌ای غربی، کاملاً بیگانه بوده و بیشتر با الگوهای معماری شرقی، مانند چهارطاقی‌ها، قابل قیاس هستند. نهایتاً در ساختارهای ترکیبی، معماری ارمنی، نه تنها، تابع نمونه‌های غربی (بیزانسی)، نبوده بلکه در شکل‌دهی به ترکیب‌های جدید پیشگام و مولد بوده و نمونه‌های شاخصی را به معماری بیزانس و اروپا انتقال داده است. بنابراین معماری کلیسای ارمنی تابع و مشابه معماری کلیسای غربی نیست و روند شکل‌گیری و تکامل یکسانی را نیپیموده است. این معماری با داشتن زمینه غنی محلی، که بیشتر در ارتباط با الگوهای مرکز‌گرایی معماری شرقی است، پا به عرصه هستی گذاشته و معماری مستقلی را شکل داده که با داشتن تقدم زمانی و قدرت آفرینش الگوهای نوین بر معماری کلیسا در جهان تأثیرگذار بوده است. این واقعیت باید تغییر بنیادی را هم در تدوین تاریخ معماری جهان و هم در انگاشت منحصراً غربی، از معماری کلیسا در ایران، ایجاد کند.

که نمونه‌ای از تمدن مسیحی بر بستری شرقی است، چنین حاصل می‌شود که؛ ظهور عملکرد عبادی جدید، که در خدمت نظام ارزشی و مفهومی نوین قرار دارد، در تمام نقاط متأثر، دارای شکل و ریشه واحد نبوده و زمینه معماری موجود در هر منطقه جغرافیایی- فرهنگی به همراه نیروهای دیگر حاصل از شرایط تاریخی در شکل‌گیری و پیشبرد این روند تأثیرگذار است. در پاسخ به پرسش‌های پژوهش باید چنین جمع‌بندی کرد که علی‌رغم وجود هر دو نوع ساختار مرکزی و خطی در معماری‌های ارمنستان و غرب از ابتدای شکل‌گیری معماری کلیسا، ساختارهای خطی در غرب و ساختارهای مرکز‌گرای گنبددار در ارمنستان از اهمیت، گستردگی و شکوفایی بیشتر برخوردار هستند. این مهم ریشه در پیشینه معماری دو فرهنگ دارد. علاوه بر این ساختارهای معماری کلیسای ارمنی، تابع ساختار شناخته‌شده باسیلیکای غربی نبوده و علاوه بر داشتن تفاوت‌های عمده در معماری و خویشاوندان قابل شناسایی محلی، از نظر تاریخی نیز بر نمونه‌های غربی مقدم هستند. ساختارهای مرکز‌گرای رایج در معماری ارمنی با داشتن ریشه در معابد

پی‌نوشت‌ها

که متعلق به «هلنیسم ارمنی» دانسته میشود (هاروتیونیان، ۱۹۹۲، ۴۵). علاوه بر این، طبق نظر متخصصان، معبد گارنی و موارد مشابه احتمالی، به قدری که در ابتدا فرض میشد، بر معماری ارمنی تأثیرگذار نبوده‌اند (تورامانیان، ۲۰۱۳ الف، ۱۲۳).
۱۹. درباره نمونه‌های کلیساهای منطقه تایک و تأثیرپذیری معماری گرجی در این زمینه رجوع کنید به ماروتیان، ۲۰۰۳، ۲۳۸ الی ۳۰۲.
۲۰. جهت مطالعه در باره اشتراکات معماری کلیسای سوری و ارمنی در حقیقت کم‌تر از آن است که در ابتدا تصور می‌شد رجوع کنید به Der- Kevorkian, 2013.

فهرست منابع

اسلامی، غلامرضا (۱۳۹۲)، *درس‌گفتار مبانی نظری معماری*، عینکمان را خودمان بسازیم، نشر علم معماری، تهران.
ایسایکیان، هرایر (۱۹۹۰)، *هایلاکان رنسانسی چارناراپتوتیون* (معماری رنسانس ارمنی)، نشر هایاستان، ایروان (به زبان ارمنی).
آقانیان‌تس، گیوت (۲۰۰۸)، *کارگ استوتن/پاشتوتیان هایاستانیاتیس سورب یقمتسو* (آئین عبادت کلیسای مقدس ارمنستان)، بخش آموزش مسیحی خلیفه‌گری ارمنه تهران، تهران (به زبان ارمنی).
آکادمی علوم ارمنستان (۱۹۶۴)، *آکنارک، های چارناراپتوتیان پاتموتیان* (شرحی بر تاریخ معماری ارمنی)، نشر آکادمی علوم ارمنستان، ایروان (به زبان ارمنی).
آکادمی علوم ارمنستان (۱۹۹۶)، *هایلاکان چارناراپتوتیان پاتموتیون* (تاریخ معماری ارمنی، جلد اول)، آکادمی علوم ارمنستان، نشر گیتوتیون، ایروان (به زبان ارمنی).
آکادمی علوم ارمنستان (۲۰۰۲)، *هایلاکان چارناراپتوتیان پاتموتیون* (تاریخ معماری ارمنی، جلد اول)، آکادمی علوم ارمنستان، نشر گیتوتیون، ایروان (به زبان ارمنی).
باقری، مهری (۱۳۹۲)، *دین‌های ایران باستان*، نشر قطره، تهران.
پیرنیا، محمدکریم (۱۳۷۰)، *گنبد در معماری ایرانی*، مجله *اثر*، شماره ۲۰، سازمان میراث فرهنگی، تهران.
تجویدی، اکبر (۱۳۶۳)، *تداوم در معماری ایران*، در مجموعه مقالات معماری ایران، به کوشش آسیه جوادی، انتشارات مجرد، تهران.

۱. در باره نقش ایران و روم در معرفی کلیسای شرق و غرب رجوع کنید به میلر، ۱۹۸۱.
۲. منطقه‌ای جغرافیایی در محدوده مرزی قاره‌های اروپا و آسیا که شامل بخش‌هایی از روسیه، گرجستان، ارمنستان و جمهوری آذربایجان است (URL1).
۳. کارل شنازه، ۱۷۹۸ الی ۱۸۷۵ مورخ آلمانی (URL2).
۴. فرگوسن، محقق انگلیسی.
۵. رجوع کنید به ولفرام، ۱۳۴۹، و ملکنیان، ۱۹۹۵.
۶. رجوع کنید به اسلامی، ۱۳۹۲.
۷. پایگاه علمی دانشکده ادیان دانشگاه کومبری، انگلستان.
۸. جهت مطالعه در باره فرهنگ و سرزمین تاریخی ارمنستان رجوع کنید به دانشنامه ارمنستان شوروی، ۱۹۸۷؛ در باره باورهای قبل از مسیحیت در ارمنستان به هاکوبیان، ۲۰۰۰، ۲۰ الی ۶۰؛ در باره اشتراک آئین‌های ارمنی با ایران به مانوکیان، ۱۳۶۰؛ در باره ویژگی‌های نژادی و زبانی ایرانیان به دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۰، ج ۱۰، ۵۸۰ الی ۵۹۵؛ و در باره باورهای ایرانیان قبل از اسلام به باقری، ۱۳۹۲.
۹. این منبع مبتنی بر یکی از نظریات رایج در باره موطن و مهاجرت آریایی‌ها نگاشته شده است. درباره نظریات دیگر رجوع کنید به همین منبع و در دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۷، جلد ۱، ۳۰۱ الی ۳۰۶.
10. Nairi.
11. Haiasa.
12. Van.
۱۳. در ابتدای سده اول م. روابط فرهنگی و سنت‌های مشترک میان ایران و ارمنستان در کنار موقعیت سیاسی پیش‌آمده زمینه را برای تأسیس پادشاهی مستقل اشکانی در محدوده ارمنستان به وجود آورد. این سلسله پس از سقوط سلسله اشکانی در ایران تا ۲۵۲ م. به حکومت خود ادامه داد (هاکوبیان، ۲۰۰۰، ۷۸ الی ۸۲).
۱۴. پایگاه رسمی کلیسای ارتدوکس در آمریکا.
۱۵. همچنین رجوع کنید به آکادمی علوم ارمنستان، ۱۹۶۴، و تورامانیان، ۲۰۱۳.
16. Vahagn.
17. Ashtishat.
۱۸. این معبد دارای خصوصیات متفاوت با نمونه‌های یونانی است، به نحوی

ریشه‌های معماری کلاسیک ارمنی)، نشر موقنی، ایروان (به زبان ارمنی).
 مانوکیان، آرداک (۱۳۶۰)، *اعیاد کلیسای ارمنی*؛ ترجمه هریر خلاتیان،
 خلیفه‌گری ارامنه تهران، چاپ نابری، تهران.
 متدین، حشمت‌الله (۱۳۸۶)، *مسجد چهارطاقی، نشریه هنرهای زیبا*، شماره
 ۳۱، صص ۳۹-۴۶.
 ملکنیان، مونته (۱۹۹۵)، *اورارتاکان ژایراییور دامبارانتره* (مقابر صخره‌ای
 اورارتویی)، آکادمی علوم ارمنستان، ایروان (به زبان ارمنی).
 میلر، وم (۱۹۸۱)، *تاریخ کلیسای قدیم در امپراطوری روم و ایران*، مترجم
 علی نخستین، انتشارات حیات ابدی، تهران.
 ولفرام، کلیس (۱۳۴۹)، *معماری اورارتو*، مترجم غلامعلی همایون،
 بررسی‌های تاریخی، شماره ۴، سال ۴، صص ۲۸۹-۳۱۲.
 هاگوبیان، لوون (۲۰۰۰)، *هایوتس پاتموتیون* (تاریخ ارمنی)، نشر زانگاک،
 ایروان (به زبان ارمنی).

D. K. Ching, Francis, M. Jarzombek, Mark & Prakash Vikramaditya. (2011), *A Global History of Architecture*, John Wiley & Sons, New Jersey.

Der- Kevorkian, Shahe. (2013), *On the Relevancies of Early Christian Architecture of Armenia and Syria*, Editor in chief Murad Hasratian, National Academy of Science of the Republic of Armenia Institute of Arts, "Gitutian", Yerevan.

Hasratian, Murad. (2000), *Early Christian Architecture of Armenia*, Progress Publishing Group Corporation, Moscow.

Kiechefer, Tichard. (2004), *Theology in Stone, Church architecture from Byzantium to Berkeley*; Oxford University Press, Oxford.

Kilde, Jeanne Halgren. (2008), *Sacred Power, Sacred Space: An Introduction to Christian Architecture and Worship*, Oxford University Publication, Oxford.

Kurth, James. (2003) *Western Civilization Our Tradition*, The Intercollegiate Review, Fall 2003/Spring 2004, vol 39, pp. 5-13.

Maranci, Christina. (2003), *The Architect Trdtr: Building Practices and Cross-Cultural Exchange in Byzantium and Armenia*, *Journal of the Society of Architectural Historians*, volume 62 (3), pp. 294-305, JSTOR 3592516.

URL1: <https://www.britannica.com/place/Caucasus> visited in Dec. 15/2017

URL2: <https://www.dictionaryofarthistorians.org> visited in Jan. 20/2018

URL3: <http://www.philtar.ac.uk/encyclopedia/christ/west/westrc.html> visited in June 15/2017

URL4: <https://oca.org> visited in Dec. 15/2017

تورامیانیان، توروس (۲۰۱۳)، *هایکاکان چارتاراپتوتیون* (معماری ارمنی)،
 جلد ۱، نشر دانشگاه دولتی ایروان، ایروان (به زبان ارمنی).

تورامیانیان، توروس (۲۰۱۳)، *هایکاکان چارتاراپتوتیون* (معماری ارمنی)،
 جلد ۲، نشر دانشگاه دولتی ایروان، ایروان (به زبان ارمنی).

حاسراتیان، موارد (۲۰۰۸)، *هایکاکان چارتاراپتوتیون* (معماری ارمنی)، در
 مجموعه مقالات *زرویتسنر های مشاکویتی ماسین* (سخنانی در باب فرهنگ
 ارمنی)، تقریر هاسمیک همایکیان، نشر نوروانک، ایروان (به زبان ارمنی).

حاسراتیان، موراد؛ شاخکیان، گارنیک (۲۰۰۷)، *سورب هایاستان* (ارمنستان
 مقدس، تاریخ و فرهنگ از ارمنستان دوران انجیلی تا انتهای سده ۱۸ م)، موزه
 ملی تاریخ، نشر دانشنامه‌های ارمنی، ایروان (به زبان ارمنی).

حاسراتیان، موراد (۲۰۰۱)، *کریستوتاکان چارتاراپتوتیان ۱۷۰۰* تاریخ
 ۱۷۰۰ امین سالگرد معماری مسیحی)، نشر موقنی، ایروان (به زبان ارمنی).

حاسراتیان، موراد (۲۰۱۰)، *واقکریستوتاکان چارتاراپتوتیون هایاستانوم*
 (معماری صدر مسیحیت در ارمنستان)، نشر اینکومبوک، موسکو (به زبان
 ارمنی).

خلیفه‌گری ارامنه تهران (۲۰۰۲)، *کریستوتاکان* (دکترین کلیسای مقدس
 ارمنستان)، هیئت آموزش دینی خلیفه‌گری ارامنه تهران، تهران (به زبان ارمنی).

دانشنامه ارمنستان شوروی (۱۹۷۶)، جلد ۲، هیئت تحریریه دانشنامه
 ارمنستان شوروی، آکادمی علوم ارمنستان شوروی، ایروان (به زبان ارمنی).

دانشنامه ارمنستان شوروی (۱۹۷۷)، جلد ۳، هیئت تحریریه دانشنامه
 ارمنستان شوروی، آکادمی علوم ارمنستان شوروی، ایروان (به زبان ارمنی).

دانشنامه ارمنستان شوروی (۱۹۸۷)، جلد ۱۳، هیئت تحریریه دانشنامه
 ارمنستان شوروی، آکادمی علوم ارمنستان شوروی، ایروان (به زبان ارمنی).

دانشنامه ارمنستان مسیحی (۲۰۰۲)، نشر دانشنامه‌های ارمنی، ایروان (به
 زبان ارمنی).

دایره‌المعارف بزرگ اسلامی (۱۳۶۷)، جلد ۱، مرکز دایره‌المعارف بزرگ
 اسلامی، تهران.

دایره‌المعارف بزرگ اسلامی (۱۳۸۰)، جلد ۱۰، مرکز دایره‌المعارف بزرگ
 اسلامی، تهران.

سعید، ادوارد (۱۳۹۴)، *شرق‌شناسی*، مترجم لطفعلی خنجی، ناشر امیر کبیر،
 تهران.

شوازی، آگوست (۱۳۹۳)، *تاریخ معماری*، مترجم لطیف ابوالقاسمی، نشر
 دانشگاه تهران، تهران.

شولتز، کریستیان نوربرگ (۱۳۹۱)، *معنا در معماری غرب*، مترجم مهرداد
 قیومی بیدهندی، مؤسسه تالیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن»، تهران.

فلامکی، محمدمنصور (۱۳۷۱)، *شکل‌گیری معماری در تجارب ایران و غرب*،
 نشر فضا، تهران.

گاردنر، هلن (۱۳۹۱)، *هنر در گذر زمان*، مترجم محمدتقی فرامرزی،
 انتشارات نگاه، تهران.

گروت، لیندا، وانگ، دیوید (۱۳۹۴)، *روش‌های تحقیق در معماری*، مترجم
 علیرضا عینی‌فر، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

ماروتیان، تیگران (۲۰۰۳)، *های داساکان چارتاراپتوتیان آکونکنروم* (در باب

Contextual Analysis of Church Architecture; Centralism: A Characteristic Feature of Eastern Church Architecture

Punik Simoni^{1}, Isa Hojat*

¹Assistant Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, University of Art, Tehran, Iran.

² Professor, Department of Architecture, School of Architecture, College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran.

(Received: 14 May 2018, Accepted: 7 Jun 2020)

A comparative study on Western and Armenian church architecture, will give us precious information about the church early architecture. Armenian church is a sample of Christian architecture on Eastern context. This study will show that the two architectural cultures do not have the same origins, did not go through the same development process and are not common in dominant structures. Each of these two emanates from its historical and cultural context. Regarding this, the architecture of Western church mostly follows the Greco-Roman architecture and the Armenian one goes back to its own origins, beginning from Urartian period and even before. When talking about early architecture of church, one should notice that, despite of presenting both the linear and the central structures, Western church mostly obeyed the linear one. This geometrical structure was also dominant in pre-Christian period and was named the Christian Basilica afterwards. In contrast, Armenian church payed more attention to central structures, coming out of local Urartian and pre-Christian temples and going back to elder local housing prototypes. Central structures, limited to Roman and Byzantine round mausoleums and similar churches in West, are noticeably in focus of attention when studying Eastern architecture. However, the linear church types were wide spread in Armenia only at the beginning of church architecture (4th to 7th centuries) in two general types. The single nave or hall church goes back to Urartian and pre-Christian local temples and resembles them in dimensions as well as the other characteristics, and the three-nave hall or basilica, having some occasional features in common with the Syrian one, generally goes back to Urartian gathering halls. Thus, even the so-called basilica in Armenian church architecture has not the same origins with the Western one and should be conceived as an original church type, specially noticing its priority in time, for almost 25 years. Coming to central structures in Armenian architecture which are also the most developed and widespread types, one can see that being built from the beginning of forth century this genotype has merely

local priors, both in shape of Urartian Square Temple and a central semi domed space in local houses. The latter prototype existed at least from the 5th millennium BC and was very typical of Urartian period. The central structures in Armenian church architecture can also be associated with the Eastern, mostly Iranian, fire temples. Besides the linear and the central structures in early church architecture there are some mixed and crucial types which belong to Byzantine period according to the most world architecture history sources. Studying the architecture of the same period in Armenia shows that the prior sample of the most famous types, as are the central domed church, the domed basilica, and the cross-in-square church with five domes, was created in Armenia in Tekor Cathedral (478 AD), Ejmiadzin Cathedral (301 AD) and the Avan Cathedral (6th century) in turn. Thus, the named church types, including the last as genotype of Eastern Orthodox Church from Greece to Russia, should be recognized originally Armenian.

Keywords

Church Architecture, Armenian Church, Eastern Church, Western Church, Centralism.

* Corresponding author: Tel:(+98-21) 88428708, Fax:(+98-21) 66733410, E-mail: punik777@gmail.com